



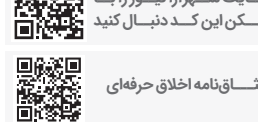
- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: مسعود میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی
- انتشارات: کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۱-۵ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۰۵۱
- نمایر: ۰۳۸۴۹۰۳۸۴-۰۵۱
- روابط عمومی: ۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲-۰۵۱
- شماره پیامک: ۷۲۸۹۰۳۰۰۰

SHAHRRANNEWS.IR

شنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir



میتشاق نامه اخلاق حرفه‌ای



دمای هوای مشهد

۴۶٪
رطوبت هوا

۱۴°
↑ ۲۷°

صبح ۱۷
ظهر ۲۵
عصر ۱۹
شب ۱۶

اذان ظهر ۱۱:۲۸:۱۲ نیمه شب شرعی ۲۲:۴۰:۱۵

غروب آفتاب ۱۸:۲۲:۴۷ اذان صبح فردا ۰۲:۵۶:۲۰

اذان مغرب ۱۸:۴۲:۳۱ طلوع آفتاب فردا ۰۴:۳۲:۳۶

اوقات شرعی مشهد

کارتون شهر



مرکز پژوهش‌های مجلس از افزایش ۵۰ درصدی فقر
در کشور خبر داده است.

شوخی بی شوخی

تعریف متفاوت و باحال درباره کار و اشتغال

که از جعبه کبریت هم کوچک تره خرید اونو به عنوان مصرف کننده گوشت قرمز محسوب می کنیم و موقع واریز یارانه توی هر دهکی باشه دهک دهمی به حساب میاد.

- **یک استاد دانشگاه:** من خودم تحمل می کنم که یک نفر بهم بگه: ۹من رو ۱۰ابدید. ولی اینکه دارین می گین یک ساعت کار در هفته هم شغل حساب میشه. انگار یک نفر بگه



امیر مومنی

پیرو اظهار نظر معاون وزیر کار که گفته است: یک ساعت کار در هفته هم اشتغال محسوب می شود. افراد مختلف واکنش های گوناگونی از خود نشان دادند!

- **یک بی تحرک:** اشتغال یک ساعت تو هفته خیلی زیاده! آدم از کت و کول میفته. نمیشه ۱۰ دقیقه در هفته را هم شغل حساب کنی.
- **یک نفر جوینده:** من فقط یک ساعت طول می کشه تا اون لنگه دیگه جورابمو پیدا کنم تا برم سرکار، ولی جالبه تو همین مدتی که من دارم دنبال جوراب می گردم خیلی ها اون یک ساعت کار در هفته رو انجام دادن و دارن برمی گردن خونه.
- **یک مسئول مشابیه معاون وزیر کار:** درکتون می کنیم. ما هم تا پارسال شاخص تعطیلی مدارس آلودگی بالای شاخص ۱۵۰ بود. دیدیم آلودگی رو نمیشه کم کرد. برای همین شاخص آلودگی برای تعطیلی مدارس رو کردیم ۲۰۰.
- **وزیر صمت:** کلا یک کاری کردید که من هم الان روم میشه هر وسیله رو که فقط بایک چرخ تولید بشه. تولید خودرو محسوب کنم. حالا فقط باید صبر کنم ببینم امروز چند تا فرقون تو کشور تولید شده تا رشد افزایش آمار تولید خودرو رو حساب کنم.
- **وزیر اقتصاد:** ما هم از این به بعد هر کس یک دونه از این عصاره گوشت بوه را را

اول شخص

گلچین گلزار ادب

یادی از زنده‌یاد احمد گلچین معانی، شاعر، ادیب و پژوهشگر مدفون در همسایگی فردوسی بزرگ هم‌زمان با سالروز درگذشتش



آزاده چشبه سمنگي نویسنده

سال ۱۳۱۰ را تصور کنید! یک کارخانه دار مستأصل و درمانده. آن قدر از اعتیاد کارگرانش به افیون تریاک درمانده شده که برای هدایت آن ها دست به دامان نوجوانی می شود که تازه دو سالی است دست و پا شکسته شعر می گوید.

احمد گلچین معانی آن روزها پانزده سال بیشتر نداشت که یک روز به سفارش برادرش تصمیم گرفت یک شعر درست و حسابی و استخوان دار در مذمت تریاک برای انتشار بنویسد. زمین حقه ها که حقه وافور می زند بس مالک الرقاب که مملوک می کند...

از قضا شعر خوبی از آب درآمد. تحسین شد. تشویق شد. اما دیپلمش را که گرفت سر از اداره کل ثبت کشور درآورد. استخدام شد و دیری نگذشت با آدم های باسواد خوش ذوقی همکار شد که بعدها از حلقه دوستی شان، به گدده های شاعرانه شهر راه یافت.

ابتدا با امیری فیروزکوهی آشنا شد و بعد به واسطه او، زمینه دوستی با مرحوم رهی معیری فراهم آمد.

روزگار گل جوانی بود و ایام شباب. در انجمن ادبی حکیم نظامی می گذشت. جایی که استادان سخن در آن گرد هم می آمدند و هفته ای یک شب را علاوه بر شعرخوانی، به ریاست مرحوم وحید دستگردی به تصحیح خمسه نظامی مشغول می شدند. آن کسی که هر بار قرائت نسخه قدیمی و دشوار خمسه نظامی را برعهده داشت. احمد گلچین بود. جوانی محبوب و مستعد که اضطرابش را در میان تحسین و تشویق حضار پنهان می کرد و گاه با اشعار تازه، پیشکوسنان جمع را بر سر ذوق می آورد.



طرح: حسن صافی | شهرآرا

درباره تألیفات و تصحیحات به جا مانده از احمد گلچین معانی

در شش دهه فعالیت مستمر استاد گلچین در زمینه زبان و ادب فارسی، ده ها کتاب با رویکرد پژوهشی و ادبی به یادگار مانده که در چهار دسته قابل تفکیک است. دسته نخست، تألیفات و تحقیقات او در قالب ۹ کتاب نظیر: گلزار معانی، شهر آشوب در شعر فارسی، تذکره پیمانه و... دسته دوم تصحیح و حاشیه نویسی متون در قالب شش اثر، از جمله لطائف الطوائف، تذکره میخانه، تاریخ ملازاده و... دسته سوم نسخه نویسی و کتاب شناسی که به دوران خدمت او در آستان قدس رضوی برمی گردد و دسته آخر تصنیف ها که در «مجموعه اشعار عصری» مشتمل بر ۵ هزار بیت در دسترس است.

نگهش

سوی دگر بود
و نگاهش کردم

احمد گلچین معانی

نگهش سوی دگر بود و نگاهش کردم
تا برم ده بدل آن گل خندان چون نسیم
همچو آن تشنه که راهش بزند موج سراب
اشتباه از نگه گاه به گاهش کردم
دیدمش گرم سخن دوش چو در صحبت غیر
غیرتم کشت ولی خوب نگاهش کردم
دور از آن رلف پریشان دلم آرام نیافت
گر چه زندانی شب های سیاهش کردم
حاصل شمع وجودم همه اشک آمد و آه
و آن قدر سوختم از غم که تباهش کردم
مهربان گشت مه من به سرودی «گلچین»
تا نثار قدم این مهر گیاهش کردم

چکامه

استوری کرام

حکایت موش های هم افزا و گربه سوء استفاده چی



امیر مومنی

احوال پرسی و تقدیر و تشکر از مرآت هم کاری و هم افزایی آن ها، اعلام آمادگی کرد تا باین آن ها دآوری کند. دوشموش استقبال کردند. گربه پیر رفت و یک ترازوی کفه ای آورد و ورقه پنیر را دو تکه کرد و هر تکه اش را در یکی از کفه های ترازو گذاشت. کفه سمت راست از کفه سمت چپ سنگین تر شد و پایین تر ایستاد. گربه پیر یک چسقله از پنیر داخل کفه سمت راست کند و خورد. کفه سمت راست سبک تر شد و بالا رفت و کفه سمت چپ سنگین تر شد و پایین تر ایستاد. گربه پیر بار دیگر یک چسقله از پنیر داخل کفه سمت چپ بکند و بخورد، که دوشموش گفتند: ای گربه پیر، آیا می خواهی ه ای چپ و راست پنیر بخوری و دوست آخر یک تکه کوچک از پنیر بماند و آن را هم به عنوان دستمزد دآوری ات برداری و بخوری؟ گربه پیر گفت: بلی، دوشموش گفتند: می شود همین دو تکه را که الان نصف اولش شده بدهی ببریم خودمان یک خاکی به سرمان بریزیم؟ گربه پیر سبک تر شد و بالا رفت و کفه سمت راست سنگین تر

شد و پایین ایستاد. گربه پیر بار دیگر یک چسقله از پنیر داخل کفه سمت راست کند و خورد. کفه سمت راست بار دیگر سبک تر شد و بالا رفت و کفه سمت چپ سنگین تر شد و پایین ایستاد. گربه پیر خواست بار دیگر یک چسقله از پنیر داخل کفه سمت چپ بکند و بخورد، که دوشموش گفتند: ای گربه پیر، آیا می خواهی ه ای چپ و راست پنیر بخوری و دوست آخر یک تکه کوچک از پنیر بماند و آن را هم به عنوان دستمزد دآوری ات برداری و بخوری؟ گربه پیر گفت: بلی، دوشموش گفتند: می شود همین دو تکه را که الان نصف اولش شده بدهی ببریم خودمان یک خاکی به سرمان بریزیم؟ گربه پیر سبک تر شد و بالا رفت و کفه سمت راست سنگین تر



عکس روز

به وقت نیایش

صبح دیروز هم‌زمان با سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع)، اجتماع بزرگ صادقون مشهد در عرصه میدان شهدا گرد هم آمدند و با ذکر دعا و نیایش به حرم مطهر علی بن موسی الرضا (ع) مشرف شدند.



برای مشاهده گزارش تصویری
کد را اسکن کنید.
عکس: میلاد سمنگانی | شهرآرا